۱۰ بنیان‌گذاران مردمی خیریه نوین در ایران | نرگان جعفری
۱۱ نگاهی کوتاه به کارکرد دست‌گیرانه تکیه‌ها در تاریخ ایران |
۱۱ جوانمردان ایرانی چگونه نفس قحطی ۱۲۸۸ قمری را گرفتند | آمنه ابراهیمی

۱۰

گفت‌وگو با «امیربانو کریمی» یکی از بازماندگان بنیان‌گذار مدرسه خیریه ایتام در دوره مظفرالدین‌شاه

ماجرای سردار فرنگ‌رفته فیروز کوهی و خیریه نوین

۱۲

تمبر دارالعجزه تبریز و اطبایی که از فقرا چیزی نمی‌گیرند

«اگر دست فتاده‌ای بگیری مردی»؛ تمبر احمدشاهی که می‌خری، یک شاهی تمبر دارالعجزه باطل کن، به‌دست نیازمندی رسد، خیر ببینی برادر!

هیات موسس دارالعجزه تبریز، عکس از مجموعه شخصی ابراهیم پورحسین در تبریز

چگونه مردمان خطه گیلان، در بی‌تفاوتی حکومت، انجمن‌های خیریه را بنیاد نهادند

جستاری بر شکل‌گیری امور خیریه نوین در ایران عصر قاجار

الهام ملک‌زاده | عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اقدامات عام‌المنفعه و خیریه انجام‌شده در عصر قاجار، به تفاوت‌های منطقه‌ای باید توجهی ویژه داشت که ناشی از اندیشه حکام ایالات مختلف بود، ضمن این که شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم در آن دخیل بوده است. به‌طور مثال، شهر کرمان شرایطی نگران‌کننده از روزهای آغازین سلطنت قاجار از سر گذرانده بود. در این میانه، فرصت‌های مناسب برای رسیدگی به حال دردمندان، بینوایان و تهیدستان توسط افراد متمول و متمکن، که البته دیگر وجود خارجی نداشتند، میسر نشد. از این‌رو دولت مرکزی به صرافت افتاد به این اوضاع وخیم اجتماعی، اقتصادی منطقه سروسامان دهد که در صورت بی‌توجهی بیشتر به جدایی کرمان از ایران می‌انجامید. در نتیجه برخلاف قاعده اصلی حکام و شاهان قاجار، اقدامات و فعالیت‌های خیریه انجام شده در این منطقه، منشأ دولتی و حکومتی داشت و به مرور با بهتر شدن اوضاع معیشتی و رفاهی مردم، کسانی که از تمکن مالی برخوردار بودند نیز کم‌کم وارد عرصه کارهای خیر و عام‌المنفعه شدند. در این میان نباید از فعالیت روشنفکران و اندیشمندانی برجسته چون آقاخان و شیخ احمد روحی، از جمله نوانديشان آن روزگار ایران غافل ماند که در اعتلای وضعیت عمومی اجتماع خود و به تعبیری کرمان می‌کوشیدند تلاشی که سرانجام به دنبال استقرار حکومت مشروطه از میان رفتن استبداد و جایگزینی قوانین مجلس شورای ملی، تصمیم‌گیری‌های نمایندگان مجلس برای دادن نظم و نسق به مراکز و مکان‌های خیریه و عمومی را در پی داشت.

خانه‌ای که بیمارستان شد

در برابر، در برخی ولایات همچون رشت اوضاع به گونه‌ای دیگر بود. با تکیه به اسناد می‌توان ادعا کرد بودجه امور خیریه و مردمی در حساب بودجه دولتی برخی مناطق مانند رشت ناچیز بود و مردم محلی خود بودجه‌ای برای عوایـد عمومی در نظر گرفته، به اماکن خیریه و مدارس ملیه توجه می‌کردند. در سال‌های پس از مشروطیت، مردم رشت به واسطه بروز جنگ‌های داخلی، نهضت جنگل، فشار پیروان استبداد، ورود نیروهـای روس و انگلیـس به این خطه، بروز خشکسالی و امراض مسری، سختی‌ها و ناملایماتی شدید را متحمل شدند که تشکیل مجدد انجمن خیریه رشت را ضروری ساخت. این انجمن بلافاصله فعال شـد. عده‌ای از پزشکان باتجربه، در قالب فعالیت‌های انجمن، با هدف خدمت به مردم مستمندو رنجور شهر بیمارستانی تاسیس کردند. در این میان، فردی به نام آقا اسدعلی آقا بخشی از منزل موروثی خود را برای انجام این عمل خداپسندانه در اختیار انجمن خیریه گذاشت. در نتیجه نخستین بیمارستـان خیریه انجمن با دوازده تخت‌خواب به بهره‌برداری رسید و به نام صاحب ملک، بیمارستان آقا اسدعلی آقا نام‌گذاری شـد. وسایل و تجهیزات لازم و تخت‌خواب‌های بیمارستان نیز توسط تجار و مالکان نیکوکار خریداری شد. نام‌اهدا کننده‌ها یا پلاکی روی هر تخت مشخص شـده بود. مخارج بیماران بسـتری به عهده انجمن خیریه گذاشته شد که از کمک‌های افراد نیکوکار تامین می‌شد. همه خدمات ارایه شده در این بیمارسـتان دو طبقه رایگان بود. پزشکانی هم به صورت رایگان خدمت می‌کردند.

مردم رشت، خود به پا می‌خیزند

این شـهر در اواخر دوره قاجار، پیشـرفت زیادی داشته که بیشـتر به دسـت مردم صورت پذیرفته است. ایجاد راه‌ها، بناها، شـهرها، بازارهای فصلی و برخی امور عمومی از جمله اقدامات مردمی اسـت. حکام دولتی در انجام این امور کمتر نقش داشته‌اند. اوضاع سیاسی، اجتماعی رشـت به دلیل نزدیکی بـه پایتخت و در تبررس قرار داشـتن همیشـگی روسیه، شناخت مردم از ضرورت‌های دنیای جدید را موجب شده بود. مردم منطقه از این رو هوشیارانه گام برداشته و می‌کوشـیدند موقعیت خود را از نقا دهند. در سـال ۱۲۴۰ قمـری و در زمان حکومت منوچهرخان معتمدالدوله در گیلان طاعون سختی شیوع یافت و جمعیت چهل‌هزار نفری و به روایتی هشتادهزار نفری آن به نصف کاسته شد. بقیه مردم نیز به نقاط دیگر گریختند. از آن جا که باقی‌ماندگان این رخداد، دوبـاره به این بیماری گرفتار شـدند، جمعیت رشت به هشت‌هزار نفر کاهش یافت. مردم حتی صاحبان ثروت در اثر این بلا به شـدت فقیر شدند. سـفرنامه‌های اروپاییان، در این‌باره از تلفات دهشتناک طاعون در رشت حکایت می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۰

روزگار نو

دارالعجزه و دارالتربیه تبریز

(پرورشگاه و تیمارستان تبریز / موسسه خیریه تبریز)

غلامرضا دركتانیان | سند پژوه و پژوهشگر تاریخ آذربایجان

انقلاب مشـروطه رویدادی عظیم بود که در ایران اواخر دوره قاجـار رخ داد و آثاری دیرپا از نظر سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه برجا گذاشت. این نهضت در واقع جنبشی ملی و مردمی بود که بر اثر دهه‌ها نابسامانی، ناامنی و فشـار فقر و محرومیت توده‌های محروم در برابر فسـاد حکومت و خودکامگی حکمرانان دوران اسـتبداد پدید آمد. شکل‌گیری و رشد جمعیت‌هـای خیریه با اهـداف متعالی انجام امور عام‌المنفعه، کمک به همنوع و دستگیری از مسـتمندان و فقـرا به‌ویـژه در مواقع بروز بحران‌های سیاسـی و اجتماعـی آن زمانه، از آثار اجتماعی این انقلاب به شـمار می‌آید که کمتر مورد توجه قرار گرفته اسـت. آذربایجان به‌ویژه شهر تبریز از این نظر بسیار اهمیت دارد. بخشی از فعالیت‌های اجتماعی مردم تبریز در همین دوره به‌شکل‌گیری دارالعجزه و دارالتربیه انجامید.

در دوره مشروطیت در بیشتر محله‌های تبریز انجمن‌هایی تشکیل شده بود که در آنها افزون بر مسائل سیاسـی، به امور اجتماعی از جمله موضوعات خیریه و عام‌المنفعه توجه می‌شد. فعالان و بانیان این انجمن‌ها از مستمندان محله خود دستگیری می‌کردند. تجربه جمعیت‌های خیریـه تبریـز از دوره مشـروطیت، از وقایع سیاسـی و اجتماعی آن زمان برگرفته شده و به گونه‌ای خودجوش در مردم پدید آمده بود. این حرکت پس از مشروطیت نیز تداوم یافت. جمعیت‌های خیریـه تبریـز را بدین ترتیب می‌توان یکی از دستاوردهای اجتماعی جنبش مشروطه به‌شمار آورد.

روحانیـان و تجـار بـا تاسـیس خیریه‌ها و مسـاعدت‌های مالـی، در گسـترش ایـن جریـان اجتماعی نقشـی مهم ایفـا کردند. حضور بازرگانـان در این حرکـت، همزمان با بهره‌گیری‌شان از آموزه‌های اعتقادی و ارتباط محکم با روحانیت تبریز، به موقعیت این شهر مهم به‌عنوان پایانه تجاری و واسطه میان ایران و اروپا از راه اسـتانبول و قفقاز ارتباط داشـت. فعالیت بازرگانـان در این شـاهراه اقتصادی، موجب آشـنایی آنها بـا فرهنـگ اجتماعی کشورهای اروپایی شده بود. از همین‌رو بود که آنان به موضوعات انجمن‌های خیریه و کمک به همنوعان علاقه‌مند شدند.

پس از پیروزی جنبش مشـروطه، تبریز در دوره اسـتبداد محمدعلی شاهی درگیر جنگ بود و حدود یازده ماه در محاصره مستبدان قرار گرفت. این محاصره طولانی موجب شد مردم از حیث آذوقه در مضیقه قرار گیرند. همین مسـأله، امراض ناشی از کمبود مواد غذایی را پدید آورد و گسترش داد. همچنین درگیری با نیروهای دولتی، گروهی از مجروحان را بر جای گذاشت که به معالجه و پرسـتاری نیاز داشتند. در این هنگامه بحرانی، مردم نیکـوکار تبریز دور هم آمدند و برای تاسیس خیریه‌ای با هدف ایجاد رفاه برای مستمندان و بهبود وضع مجروحان اعانه گرد آوردند. فعالیت‌های این خیریه اما پس از مدتی با بهبود اوضاع اجتماعی، راکد ماند.

با پایان دوره اسـتبداد صغیر و رفع محاصره تبریز، آرامشی در اوضاع پدید آمد، اما بیکاری و کسـادی بازار و رکود دادوستد باز موجب شد طبقات پایین، سخت در مضیقه بیفتند. پیامد این جریان، عـده‌ای از بازرگانان نوعدوسـت از جمله حاج‌میرزا علی اکبـر صدقیانی، حاج یوسـف قزوینی، حاج محمد علـی بادامچی، حاج علی کمپانی، حاج علـی اکبر قاققایچی، حاج مهدی کوره‌کتانی (ابوالمعله)، حاج مهدی سلماسـی، حاج علی قره‌داغی، حاج حسـین ختایی و حاج باقر جـوان (نوبخت) با همکاری موسسـان مریض‌خانه ملی و نایب‌الایاله وقت اجلال‌الملـک در عمـارت ایالتـی، انجمنی تشـکیل دادند. این انجمن سـپس جمعی را به‌عنوان هیات عامله خیریـه انتخاب کرد تا با جمع‌آوری اعانه برای رفاه حال مسـتمندان معلول و یتیمان بی‌سرپرست بکوشند. نخستین اقدام این انجمن در انجام امور خیریه و کمک به مستمندان، تاسیس دارالعجزه در سال ۱۳۲۷ قمری بود. در آنجا عده‌ای از بینوایان و معلولان بی‌سرپرسـت نگهداری می‌شـدند. هنگامی که خیـر تاسـیس دارالعجزه به گـوش مردم نوعدوست رسید، انجمن‌های ایرانی در خارج ایران از جمله انجمن سعادت استانبول و انجمن مساوات قفقاز و مردم دیگر شهرهای ایران اعانه و هدایای فراوانی به دارالعجزه فرستادند.

پـس از آرامش اوضـاع و بهتر شـدن وضع مردم، با شـروع جنـگ یکم جهانی در سـال ۱۹۱۴ میـلادی (۱۳۳۲ قمـری)، بالطبـع وضع روسـتاییان آذربایجان نیز در اثر فروش محصولات کشـاورزی به روسـیه که با آلمان درگیر جنگ بود، خوب شد و فعالیت دارالعجزه راکد ماند. در اواخر جنگ و بروز قحطی جهانی، اما شهرهای مختلف ایران نیز از آن متاثر شدند. با هجوم بینوایان و گرسنگان روستاها و قصبه‌ها و شیوع امراض ناشـی از کمبود مواد غذایی و بیماری‌های عفونی در تبریز، تعدادی از مردم فقیر جان خود را از دست دادند.

اگرچـه اشـاره‌ای ضعیـف بـه وجـود کمیسیون‌های اعانه فرقه دموکرات و معیشت فقرا و موسسـه خیریـه آمریکاییـان در دوره رکود دارالعجزه شده است، اما احتمالا به دلیل کوتاهی دوره فعالیت آنها به ویژه نبود اسـناد و شواهد معتبر تاریخی، نمی‌توان درباره اهداف، عملکرد و ساختار آنها سخن گفت. این امر شاید تاییدی بر این نکته باشـد که به سبب نبودن تشکیلات منظم برای توزیع مناسب اعانه‌ها و عدم تمرکز امور، کمک‌ها موثر واقع نشده است.

در نتیجه ادامـه این وضع نابسـامان که به مرگ تعدادی از فقرا و مسـتمندان منجر شد، گروهـی از نیکـوکاران و سـرمایه‌داران تبریز دور هم گـرد آمدند و با جمـع‌آوری اعانه‌های نقدی و جنسـی، خانه‌باغچه لقمـان در تکیه حیدر را کرایه کردند. این نیکوکاران در محرم سال ۱۳۳۵ قمری بار دیگر دارالعجزه را احیا و عده‌ای زیاد از تهیدسـتان را در آنجا نگهداری کردند. اساسـنامه‌ای نیز در هشـت ماده برای فعالیت آن تنظیم شد.

در سـال ۱۳۱۹ خورشـیدی براساس قانون تجـارت، اداره ثبـت موسـسات در اداره کل ثبت اسـناد آذربایجان تشکیل شـد و با اعمال فشار از سـوی دایره همگانی شهربانی، کم‌کم جمعیت‌های خیریـه تبریز ثبت شـدند. این جمعیـت کـه مـکان آن در کوی دمشـقیه بود، نخسـتین موسـسه‌ای بود که بـا عنوان پرورشگاه و تیمارسـتان شـهر تبریز در سال ۱۳۲۱ خورشیدی با شماره یک به ثبت رسید. اساسـنامه بعدی ایـن جمعیـت در ۳۲ ماده تنظیم شـد. متولیان این انجمن در اساسنامه، منظور از تشکیل جمعیت را کمک به بینوایان، یتیمان و دیولگان شهرستان تبریز و انجام امور عام‌المنفعه و یاری مصیبـت‌زدگان هنگام بروز حوادث ناگهانی، در حدود اختیـار درآمدهای آن بیان کـرده بودند. نکته جالب، تعیین محل درآمدها و دارایی‌هـای انجمن بود. اینها عبارت بود از وجـوه سـالانه اداره دارایی، وجـوه اداره دارایی برای نگهداری و اعانـه افراد، وجوه اداره شهرداری برای کمک به پرورشگاه یا تیمارستان، اعانه بازرگانان از واردات و صادرات کالاهای خود در گمرک بـه نفع جمعیت، اعانه‌هـا و هدایای مختلف نقدی و جنسی، درآمد کارهای دستی مددجویان آسایشـگاه، درآمدهـای حاصله از نمایش‌هـا و گاردن‌پارتی‌هـا به نـام جمعیت، موقوفه‌های موسسه اعم از منقول و غیرمنقول، درآمد حاصـل از اراضی، ابنیه، عمارت‌ها، آلات، ادوات و اثاثیـه متعلق به جمعیت و سـرانجام منافع املاک و مسـتغلات متعلق به جمعیت. با توجه به فهرست این دارایی‌ها و منابع درآمدی، می‌توان به این نتیجه رسـید که این جمعیت یکـی از پردرآمدتریـن موسـسه‌های خیریه تبریز در دوره میان جنبش مشـروطه و انقلاب اسلامی بوده است. این جمعیت اقداماتی مهم در زمینه یاری‌گری به مستمندان و نیازمندان انجام داد. از جمله در جریان سیل تیر ماه ۱۳۰۸ خورشـیدی تبریز، این جمعیت مبلغ سه‌هزار تومان از محل عایدات خود در اختیار جمعیت شـیر و خورشـید سـرخ تبریز قرار داد تا میان آوارگان مستمند و آسیب‌دیده از سیل به مصرف برسـد. براسس آمار ارایه شـده این موسـسه به کمیسیون مستمندان تبریز برای تعیین مقرری، تعداد مددجویان پرورشـگاه در سـال ۱۳۳۰ خورشیدی، هشتاد نفر بوده است.

این موسـسه به دیگر جمعیت‌های خیریه تبریز نیز کمک فراوانی کرده بود. از جمله این کمک‌هـا اهـدای دو هزار متر مربـع زمین در بهترین نقطه شـهر به ارزش ۳میلیون ریال به جمعیت مبارزه با سرطان شعبه تبریز در سال ۱۳۴۷ خورشیدی بود.

منابع و مستندات گزارش در دفتر روزنامه موجود است.